

ارزیابی قضایای بد دادن و اثرات منفی اجتماعی آن در افغانستان

همکاری در زمینه برنامه سازی برای انکشاف اجتماعی در ولایات کابل، پروان، پنجشیر افغانستان

ابتکار آزاد و مدنی برای صلح

ارزیابی قضایای بد دادن و اثرات منفی اجتماعی آن در افغانستان

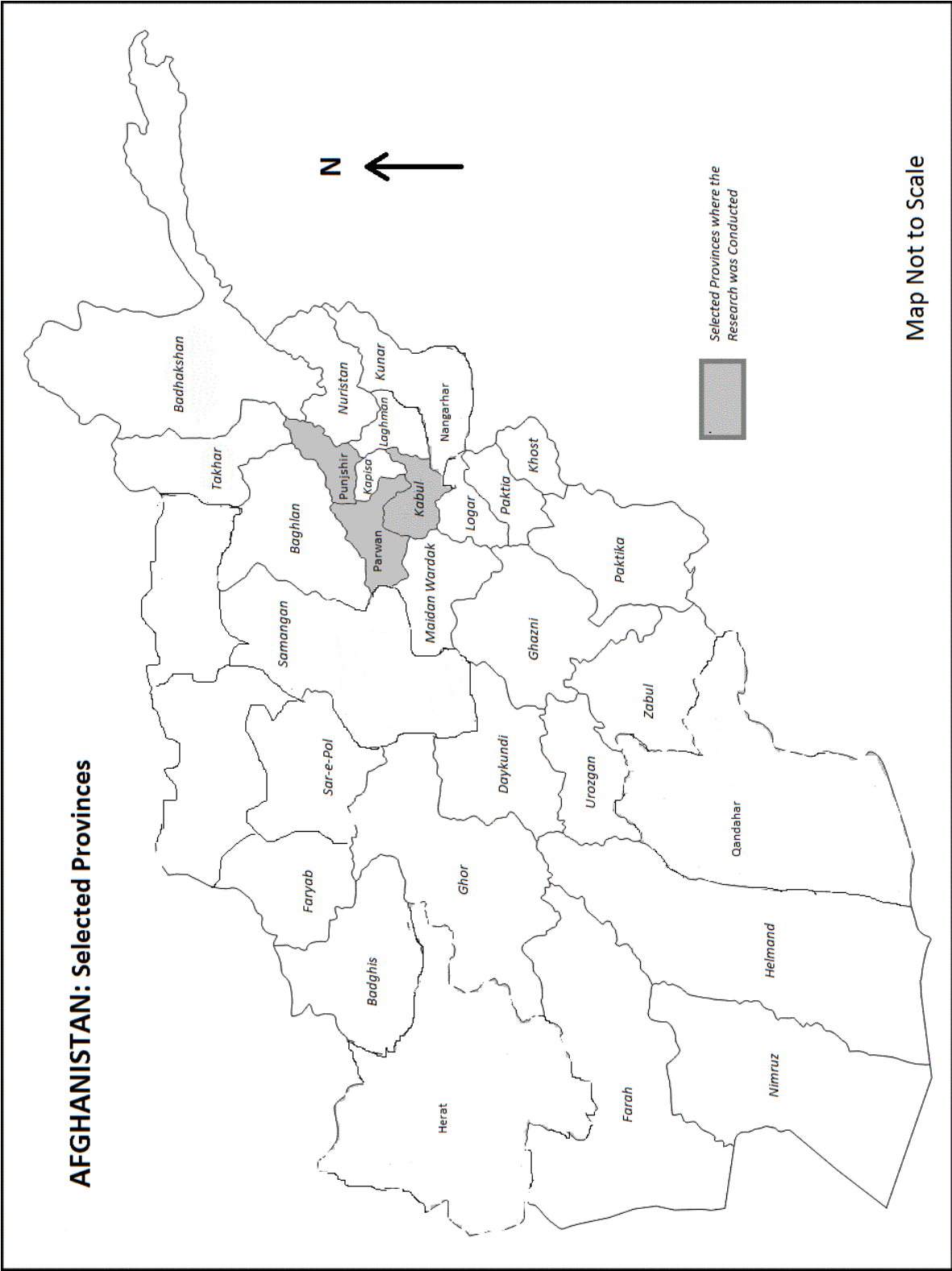
همکاری در زمینه برنامه سازی انکشاف اجتماعی ولایات کابل، پروان، پنجشیر افغانستان

پروژه موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP)

تمویل کننده: موسسه توانمندی

CLIP 2014

کابل افغانستان



موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP)

موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) در سال 2012 تاسیس گردیده و یک نهاد اجتماعی غیرانتفاعی، غیرسیاسی و مستقل میباشد. این موسسه که به منظور رشد اجتماعی - اقتصادی تاسیس گردیده است، در ساحات مختلفی چون مشارکت سیاسی، توانمند سازی زنان و جوانان، حکومت داری خوب، حاکمیت قانون و حقوق بشر برنامه ها و فرصت های آگاهی دهی و ظرفیت سازی را فراهم میسازد.

ظرفیت موسسه (CLIP) در زمینه تطبیق پروژه ها در ساحات مربوط به تدریج بطور قابل ملاحظه انکشاف نموده است که این موسسه را جایگاه خاصی بخشیده است. این موسسه نقش جامعه مدنی پویا و زنده را در سیستم های دیموکراتیک درک نموده است. (CLIP) به عنوان یک موسسه معتبر در امر تحکیم آزادی های مدنی از طریق حمایت از فعالیت مدنی چون بهبود معیشت شهروندان، افزایش ارائه خدمات، پیشرفت حقوق بشر، ایجاد فرصت های آموزش برای جوانان و محور نایربری های جنسیتی در تمام سطوح جامعه، فعالیت مینماید.

موسسه (CLIP) در ساحات تعلیمات مدنی، بسیج سازی جامعه، شهروندی فعال، دیموکراسی، حکومت داری خوب، حاکمیت قانون و توسعه سازمانی بطور حرفه یی فعالیت مینماید. موجودیت کارمندان شایسته در زمینه فراهم ساختن همکاری های تخنیکی به نهاد های جامعه مدنی، موسسات غیر دولتی، انجمن ها، شورا های ولایتی و شورا های ولسوالی در کشور جایگاه خوبی را نصیب این موسسه گردانیده است. همچنان این امر به موسسه کمک نموده است تا بصورت مناسب و موزای با جوانب ذیدخل در پروژه دخیل باشد.

این موسسه در شبکه سازی، مدیریت و تدویر نمودن برنامه های آموزشی تجربه زیاد دارد. موسسه (CLIP) از دادخواهی، پروسه پالیسی سازی، رهبری، تغییرات و فعالیت های مدنی درک بهتر دارد. در رابطه به رویکرد مشارکتی در دوران تمام مراحل تطبیق پروژه، موسسه (CLIP) اکثرا با ادارات دولتی ولایتی، شورا های انکشافی، والیان ولایتی، شورا های ولایتی، بزرگان محل و شورا های قریه، نهاد های جامعه مدنی و موسسات غیردولتی کارمینماید.

موسسه توانمندی

توانمندی یا تقویت جامعه مدنی در افغانستان توسط تمویل کننده گان شمال اروپا به منظور تقویت ظرفیت نهاد های جامعه مدنی افغانستان برای دادخواهی، و کار با حکومت و جوامع افغانی تاسیس گردید. این موسسه میخواهد از طریق فراهم ساختن کمک های بلا عوض و برنامه های ظرفیت سازی به اهداف خویش برسد.

هدف این برنامه کار با نهاد های جامعه مدنی، به ویژه در ولایات، به منظور بهبود حسابدگی و مسوولیت پذیری حکومت و احترام به حقوق بشر میباشد. همچنان موسسه توانمندی روی تقویت فعالیت های دادخواهی جامعه مدنی افغانستان در سکتور های حقوق بشر، دسترسی به عدالت، تامین صلح و حل منازعات، رسانه ها و مبارزه علیه فساد تاکید میورزد.

سپاسگذاری

موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) از موسسه توانمندی به خاطر همکاری های مالی و لوژستیک شان برای برگزاری این تحقیق ابراز امتنان مینماید. راه اندازی این سروی بدون همکاری تمام مقامات حکومت محلی در ساحات تحت پوشش این تحقیق ممکن نبود. از کارمندان ساحوی این تحقیق نیز بخاطر فعالیت های خستگی ناپذیر شان قدردانی مینماییم. از محترم عبدالحق محمدی که این گزارش را نوشته اند، و محترم جاوید محتاط بخاطر مدیریت این پروژه نیز سپاسگذاری خویش را ابراز میداریم.

7.....مخففات

7واژه نامه

8.....خلاصه

روش تحقیق

10.....تاریخچه تحقیق

10.....روش تحقیق

11.....موضوعات اساسی سروی و پرسشنامه کیفی

11.....مشکلات تحقیق

بدنه اساسی تحقیق

12.....یافته های اساسی تحقیق

13.....توصیه ها یا نظریات

15.....خلاصه فرهنگ و گذشته (بد) در افغانستان

17.....تحلیل و تجزیه یافته های تحقیق

28.....نتیجه گیری

مخففات

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان	AIHRC
اردوی ملی افغانستان	ANA
پولیس ملی افغانستان	ANP
موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح	CLIP
وزارت امور زنان	MoWA
وزارت عدلیه	MOJ
برنامه همبستگی ملی	NSP
موسسه غیر دولتی	NGO
هیئت معاونت سازمان ملل متحد (یوناما)، حقوق بشر	UNAMA HR

واژه نامه:

- بد (BAD):** عروسی نمودن یک دختر یا یک زن به عنوان خون بها جهت حل و فصل منازعه قتل
- بدل (Badal):** آلودن نمودن دختران در بین فامیل ها برای عروسی نمودن
- حدیث (Hadith):** یادداشت گفتار و کردار حضرت محمد صلی الله علیه وسلم
- حرام (Haram):** چیزهای که در شریعت نامشروع یا ممنوع قرار داده شده اند و رعایت اجباری میباشد نه اختیاری
- امام (Imam):** عالم دینی که نمازگزاران را رهبری و رهنمایی مینماید
- جرگه (Jirga):** گرد همایی بزرگان
- شورا (Shura):** شورای محل
- ملک (Malik):** یک رهبر یک قریه یا یک محل
- (Nikah Shighar):** تبادل زنان بدون رضایت آنها
- علماء (Ulema):** علمای دینی
- زنا (Zina):** رابطه جنسی بدون ازدواج (نکاح)

خلاصه

باوجود سعی و تلاش در زمینه تشکیل دولت عصری و حکومت داری خوب که در سال 2001 در افغانستان آغاز گردید، راه های عنعنوی حل منازعات در افغانستان، به ویژه آنانی که با مسایل اجتماعی رابطه دارند، بصورت گسترده بکار برده شده اند. بعضی از این فعالیت ها تأثیرات مثبت داشته و در زمینه دریافت راه حل برای اختلافات اجتماعی موثر میباشند. اما شماری از آنها در عمل عنعنات مضر اند که تصور میشود به طور قابل ملاحظه ای در برابر انکشاف اجتماعی کشور مقاومت میکنند. یکی ازین عنعنات مضر عبارت از بد دادن دختران میباشد که در بعضی از نقاط افغانستان به وقوع می پیوندد.

بد دادن عبارت از معامله نمودن یک عضوی از طبقه اناث خانواده به عنوان خون بها برای عروسی میباشد که یک شیوه حل صلح آمیز منازعات پنداشته میشود خواه این منازعه در نتیجه قتل و یا کدام شکل دیگری از اهانت شکل گرفته باشد. بد دادن یکی از فاحشترین انواع خشونت بر علیه زنان در افغانستان به حساب میرود. بد دادن به جوامع و خانواده اجازه میدهد تا قضایای جرایمی مانند قتل را از طریق انتقال مجازات جرم و جنایت به یک زن یا یک دختر حل و فصل نموده بین جوانب قضیه آشتی و نظم را ایجاد نمایند. حیثیت فامیل متضرر شده از طریق مجازات نمودن یک زن به جرم عملی که مرتکب نگردیده است، اعاده میگردد.¹ این رواج شاخص واضح و روشن پدر سالاری در بعضی از بخش های افغانستان میباشد. این امر به مشکلاتی که زنان افغانستان با آن مواجه اند، می افزاید.

چون افغانستان به مرحله جدید حکومتمداری و دولت سازی داخل میشود، تمرکز روی تعامل موثر و مبارزه علیه چنین سنت های منفی اجتماعی میتواند حکومت را در امر مقابله با موضوع کمک میکند. نهاد های جامعه مدنی و موسسات غیر دولتی میتوانند منابع و ظرفیت های شان را به منظور محور چنین سنت های مضر بیشتر گسترش داده و آنها را به بخشی از تاریخ مبدل سازند. برای پیگیری بعضی اختلافات مضر و شدید به هماهنگی بین نیرو های امنیتی و وزارت عدلیه و نظام قضایی نیاز مبرم وجود دارد تا چنین قضایا مورد پیگیری قرار گیرند.

این مطالعه/تحقیق میزان، تغییرات تاریخی، و عوامل ریشه یی موجودیت بد دادن در افغانستان را بررسی مینماید گرچه تمرکز اصلی آن چند ولسوالی در ولایات کابل، پروان و پنجشیر میباشد. درین تحقیق نظریات اشخاص مجرب اجتماعی، مامورین رسمی و غیر رسمی محلی، دروازه بانان اساسی قریه و مردم عام شامل است. ثانیاً اینکه اگر چه اکثریت شورا های محلی و جرگه با عمل (بد دادن) مخالف اند؛ تنها یک سوم آنها به شدت مخالف این عمل اند و آن را حرام میدانند، در حالی که باقیمانده آنها در مورد قضاوت شان راجع به درک منفی از بد مشکوک هستند. از نظر اکثریت مطلق مردم عادی که سروی گردیدند عمل بد نامشروع و مخالف شریعت اسلامی میباشد.

همچنان در نتیجه این تحقیق معلوم گردید که یک تعداد برنامه های دادخواهی وجود دارند که توسط وزارت عدلیه حکومت افغانستان و بعضی از نهاد های جامعه مدنی که بر علیه عنعنات مضر چون بد مبارزه میکنند، تنظیم گردیده اند. آنها درین

¹ یوناما، OHCHR، عملی سنتی مضر و تطبیق قانون در زمینه محو خشونت علیه زنان در افغانستان، کابل، افغانستان، ۹ دسمبر ۲۰۱۰. پ 11

برنامه ها مبلغان مذهبی محلی، و مسوولین شورا ها را دعوت می نمایند تا در زمینه پیامد های منفی عنعنات مضر به شمول بد دادن، صحبت نموده تشریح نمایند که چنین اعمال مخالف ارزش های اسلامی و قانون اساسی افغانستان می باشد. آنها از طریق رادیوی محلی یا راه اندازی نشست های مشترک با شورا های محلی صدای شان را به گوش همه گان میرسانند؛ گرچه دامنه این برنامه ها بسیار محدود میباشد.

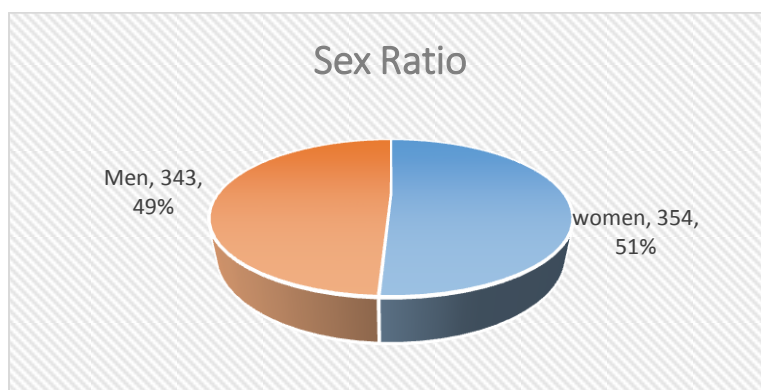
بلاخره، در بین معلومات دهنده گان کلیدی این سروی روی این مسئله موافقت کامل وجود داشت که فقر، عدم موجودیت ادارات فعال دولتی و سطح پائین سواد در بین مردم و معلومات اندک مذهبی عبارت از فکتور های میباشد که باعث ادامه بد دادن در بین مردم میگردد.

تاریخچه یا پس زمینه تحقیق

اگرچه به نظر علمای مختلف دینی بد دادن در مغایرت با قانون افغانستان و قانون اسلامی میباشد، چنین به نظر میرسد که دادن دختر به عنوان پرداخت در مقابل رفتار های سوء که توسط بزرگان آنها صورت گرفته است، هنوز هم زیاد وجود دارد.² این تحقیق بد را در افغانستان بررسی مینماید. یافته های بررسی های موردی (case studies) که به سطح ولسوالی در ده ولسوالی ولایات کابل، پنجشیر و پروان دایر گردیده بود میتواند پالیسی سازان اجتماعی دولت، نهاد های جامعه مدنی، موسسات غیر دولتی داخلی و خارجی در افغانستان را در امر دانستن عمل مضر بد دادن و ایجاد پالیسی های موثر اجتماعی و برنامه ها به منظور کاهش و محو چنین عنعنات ناپسند و غیر قانونی در دراز مدت کمک کند.

روش تحقیق:

با توجه به ماهیت این تحقیق، روش های کمی و کیفی هر دو در آن شامل میباشد. به منظور دریافت نظریات عامه درین زمینه، در حدود 1000 تن تحت پوشش قرارداد شده بود که 800 تن آن را مردم عادی تشکیل میداد که در 10 ولسوالی ولایات کابل، پنجشیر و پروان سروری گردیده بودند. از آنجایی که زنان درین تحقیق نقش کلیدی داشتند، نسبت جنسی در این نظر سنجی طوری بود که بیش از 50% زنان در آن اشتراک داشتند.



ضمن سروری، دو دو مباحثه گروهی (FGD) در هر ولسوالی دایر گردید. به منظور دریافت تغییر تاریخی در بد دادن و دلایل اصلی آن با دروازه بانان قریه، کارمندان حکومت محلی و ادارات غیر دولتی به شمول موسساتی که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در مسایل مربوط به زنان دخیل هستند، مصاحبه ها انجام شد. برای انتخاب مصاحبه شونده گان از روش های نمونه گیری (Quota) و (Snowball) استفاده گردید تا تعادل کیفیت بخش کیفی این تحقیق حفظ گردد. تیم تحقیق بر علاوه از ادارات ولایتی و ولسوالی، با کارمندان مربوط از وزارت امور زنان، نهاد های جامعه مدنی و موسسات غیر دولتی که در فعالیت های حقوق بشر و حقوق زن در کشور دخیل بودند، مصاحبه های انجام دادند.

[http://www.nytimes.com/2012/02/17/world/asia/in-baad-afghan-girls-are-penalized-for-elders-](http://www.nytimes.com/2012/02/17/world/asia/in-baad-afghan-girls-are-penalized-for-elders-crimes.html?pagewanted=all&_r=0)

موضوعات اساسی بررسی و پرسشنامه کیفی

- جمع آوری نظریات مردم در رابطه با بد دادن
- وارد آوردن تغییرات در علاقمندی مردم نسبت به بد دادن
- معلوم نمودن وضعیت فعلی در رابطه با بد دادن
- معلوم نمودن عوامل اصلی نوسانات و ادامه این عنعنات
- دریافت راه های حل این مسئله برای فعالیت های موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) در رابطه با دادخواهی و آگاهی به منظور کاهش بد دادن در مناطق مورد نظر

برای تحلیل معلومات کمی از نرم افزار (MS Excel) استفاده گردیده است. موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) برای تحلیل و تجزیه معلومات کیفی از رمزگذاری معلومات استفاده نمود تا نمونه های اصلی را درین بررسی کشف نمایند. یافته های این بررسی شباهت های قابل توجهی را در مشخصات، عوامل اساسی و نگرش های عامه در رابطه با بد دادن در ساحات تحت پوشش این بررسی نشان میدهد. چنین شباهت ها میتواند یافته های این بررسی را در کشور یا حد اقل در ساحات و ولایاتی که در آنجا ها دختران به بد داده میشوند، تعمیم و اعتبار بخشد.

مشکلات موجود در پروسه تحقیق:

با توجه به ارزشهای و قوانین اجتماعی مسلط در ساحات مورد نظر، موضوعات این بررسی برای مردم حساسیت برانگیز به نظر میرسید و این به نحوی برای آنها مشکل بود تا به سوالات بعضی از قسمت های پرسشنامه بطور مناسب و غیرجانبدارانه پاسخ ارائه نمایند بنابراین مشکل بود تا با خانواده های مصاحبه شونده گان، و وعده های که در زمینه محرم نگهداشتن و وجود تشریح و توضیح مکمل اهداف علمی پروژه برای مصاحبه شونده گان، و وعده های که در زمینه محرم نگهداشتن و ذکر نه نمودن اسمای شان در گزارش این بررسی به آنها داده شده بود، برای بعضی از آنان مشکل بود که بالای صداقت این بررسی باور داشته باشند. بنابراین بعضی از آنها سعی میورزیدند تا به سوالات از نظر سیاسی پاسخ درست ارائه نمایند.

همچنان ادامه بحران انتخاباتی و بعضی از نشست های اجتماعی و مذهبی مانند ماه مبارک رمضان بالای پروسه این بررسی اثرگذار بود اما باز هم موسسه تلاش به خرج داد تا بررسی را در مدت زمان تعیین شده موفقانه به انجام رساند.

گذشته از این، امتناع ورزیدن ادارات عدلی محلی از همکاری با ما در زمینه جمع آوری معلومات مربوط به بد دادن مانع دیگری در مقابل این تحقیق بود. این مسئله دانستن نظریات حکومت را در زمینه بد دادن و مقایسه نمودن اقداماتی را که شورا های محلی درین رابطه انجام داده اند با آن به مشکل مواجه ساخت.

بلاخره پروسه مزمن انتخابات ریاست جمهوری و شورای های ولایت سال 2014 افغانستان که پنج ماه را دربر گرفت نیز مانعی بزرگی در مقابل راه اندازی این تحقیق بود، چون تعداد زیادی از کارمندان محلی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مسایل مربوط به انتخابات دخیل بودند.

- بین اعضای بیش از 50 شورا ها و جرگه ها توافق کامل موجود است و همچنان معلومات دهنده گان کلیدی محل که تحت پوشش این تحقیق قرار گرفته بودند، ابراز داشتند که تعداد واقعات به بد دادن دختران از سال 2001 بدینسو بطور قابل ملاحظه یی کاهش یافته است. نماینده گان تقریباً 50% از شورا ها و جرگه ابراز داشتند که آنها در مورد قضایای به بد دادن دختران در محلات شان هیچ اطلاعی نداشتند. اما یافته های این تحقیق نشان میدهد که هنوز هم واقعات بد دادن دختران در بعضی ولسوالی های که تحت پوشش قرار داده شده بود، وجود دارد. معلومات بدست آمده طی این بررسی اظهارات نماینده گان شورا ها و جرگه ها را تائید مینماید. بیش از 60% از افرادی که با آنها مصاحبه صورت گرفت ابراز داشتند که آنها از واقعات به بد دادن دختران در محل شان هیچ اطلاعی ندارند؛ اما 5% از مصاحبه شونده گان اظهار داشتند که آنها سالانه شاهد 10 واقعه به بد دادن دختران در محل شان بوده اند.
- واقعات به بد دادن دختران برای فامیل های که آنها دختر را به بد میگیرند یک نوع تاثیر روانی داشته و این را برای شان افتخار میدانند. تعداد زیادی از مصاحبه شونده گان مدعی بودند که گرفتن پول یا انواع دیگر جبران جرم به این حد موثر نمیباشد.
- بین محافظه کاری های مذهبی در محلات، بیسوادی و رواج یافتن پروسه به بد دادن دختران رابطه وجود دارد. شاهد ادعای ما بیش از 70% از مصاحبه دهنده گان هستند که به نظر آنها در ساحات شان تعداد واقعات به بد دادن دختران کاهش یافته و تعداد قابل ملاحظه آنها به این نظر اند که بهبود وضعیت تعلیم و تربیه و بلند رفتن سطح سواد در بین مردم این واقعات را بیشتر کاهش میدهد.
- بنابر ضعف ادارات دولتی، جوانب منازعات فامیلی موضوع را به شورا ها و جرگه ها محول میسازند. و این شورا ها و یا جرگه ها برای حل منازعات فامیلی به بد دادن دختران حکم میکنند. در رابطه با سوالی که از مصاحبه شونده گان در مورد علت اساسی به بد دادن دختران مطرح گردید، تقریباً نیمی از آنها به این باور بودند که این یک راه حل مناسب و ساده منازعات میباشد.
- بد دادن زمانی به عنوان یک میکانیزم حل منازعات استفاده میشود که قتل، رابطه جنسی نامشروع و یا فرار از منزل صورت گرفته باشد. سطح بلند فقر باعث میشود تا تعداد واقعات به بد دادن دختران افزایش یابد.
- ملا امامان محلی میتوانند در زمینه تغییر دادن مفکوره مردم نسبت به این مسئله مهمترین نقش را بازی نمایند.

توصیه ها:

بعضی از توصیه های ذیل بنابر پیشنهادات معلومات دهنده گان کلیدی و مقامات حکومت محلی و بقیه آن بنابر یافته های سروی مردم عام تهیه گردیده اند.

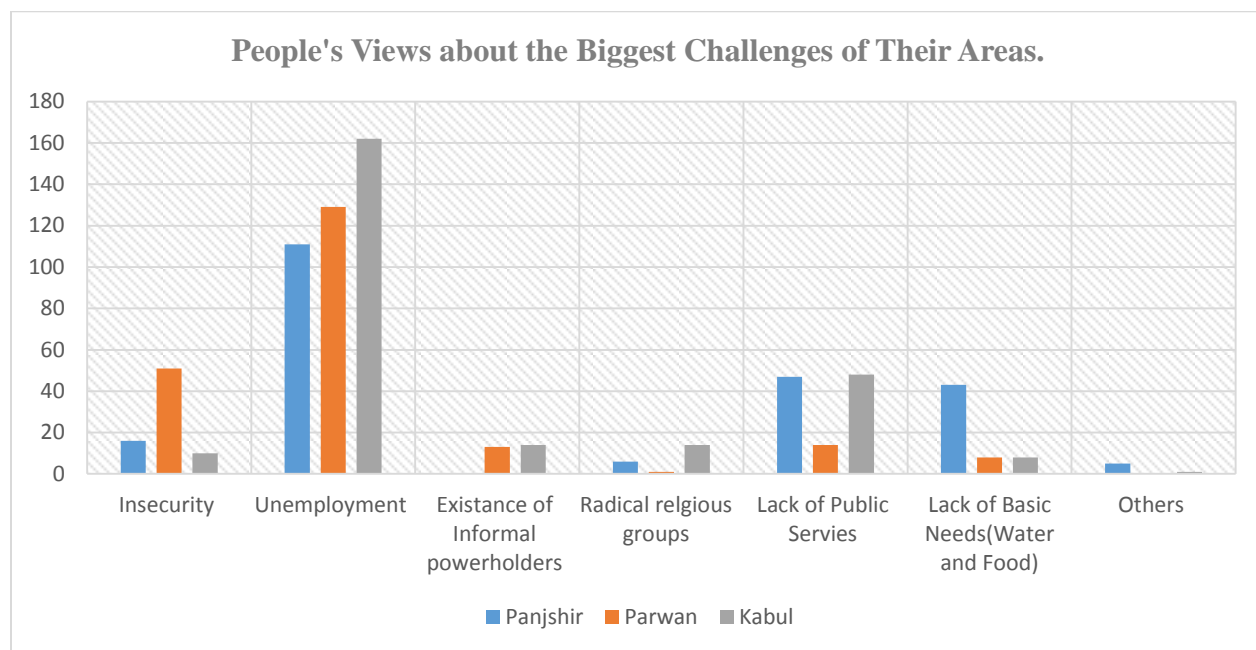
- وزارت عدلیه (MOJ) باید یکجا با قدرمندان غیر رسمی و ملامامان محل کار کند و برنامه های دادخواهی و آگاهی دهی را از طریق مساجد آغاز نمایند. چون متقاعد ساختن مردم محل در رابطه با تاثیرات ناگوار به بد دادن دختران از طریق صحبت کردن از چشم انداز عصری حقوق بشر کار بس مشکل است، پس باید بر ناسازگاری آن با اصول مذهبی تاکید صورت گیرد.
- ادارات یا ریاست های عدلی و قضایی باید قضایای به بد دادن دختران را از طریق شورا ها و جرگه ها ثبت نمایند. ثبت و راجستر نمودن چنین قضایا در زمینه دریافت عوامل اجتماعی این قضایا و طرح میکانیزم ها جلوگیری کننده از این قضایا کمک میکند.
- اگر لازم باشد، گزینه مجازات اشخاصی که در پروسه به بد دادن دختران اشتراک داشتند، بررسی گردد. جرایم نقدی میتواند درین زمینه موثر باشد چون سطح فقر در مناطق روستایی افغانستان بسیار بلند و عاری از حساسیت های مذهبی و محلی میباشد.
- وزارت حج و اوقاف (MoHE) نهاد دیگر است که میتواند در مبارزه علیه به بد دادن دختران نقش کلیدی را ایفا نمایند. آنها میتوانند ملامامان محلی را دعوت نمایند و راه های را جستجو نمایند که آنها را در برنامه های دادخواهی دخیل سازند.
- به هماهنگ ساختن میکانیزم غیر رسمی حل منازعات با روش های که توسط نهاد های حکومت محلی بکار برده میشوند، نیز نیاز است. چنین هماهنگی میتواند در دراز مدت در زمینه ساختن تاکتیک های غیر رسمی حل منازعات که با قوانین مدنی افغانستان و قانون اساسی افغانستان مطابقت داشته باشد، کمک نماید.
- به بد دادن دختران برای حل منازعات به سطح محل استفاده میگردد چون تعداد زیادی از شورا ها و جرگه ها به طور انحصاری تحت تسلط مردان میباشد. در سال های اخیر تعداد زیادی از زنان تحت برنامه همبستگی ملی (NSP) عضویت شوراها محلی را کسب نموده اند. زنان باید از طریق بلند نمودن صدای شان بر علیه نمونه های از بی عدالتی های اجتماعی نقش دادخواهی کننده گان را ایفا نمایند.

سفارشات برای موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) برای طرح برنامه های دادخواهی و آگاهی دهی شان بر علیه بد دادن دختران

- موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) باید به برنامه های دادخواهی خویش در مناطقی که بد دادن دختران در آن بیشتر مروج است، اولویت دهند.
- موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) باید در زمینه هماهنگ ساختن برنامه های خویش با نهادهای محلی عدلی تلاش نماید تا آنها را درین مسئله دخیل نماید.
- (CLIP) باید برنامه های خویش را با دخیل بودن مستقیم یا غیر مستقیم شورا های و رهبران با رسوخ محلی چون ملا امامان، ملک ها، اربابان و تشویق کارمندان محلی از طریق فراهم ساختن پاداش های مالی برای آنها هماهنگ سازد.
- (CLIP) باید استخدام نمودن اعضای شورا ها را در برنامه های دادخواهی مدنظر گیرد چون آنها میتوانند این فعالیت ها را به وجه احسن انجام دهند. اکثریت اعضای شورا ها در مورد شرایط محل بهتر میدانند و میخواهند در مقابل پاداش مالی این فعالیت ها را با کمال میل انجام دهند.
- (CLIP) باید برنامه های مشترک را با وزارت های عدلیه و حج و اوقاف هماهنگ سازند، چون موسسات غیر دولتی و نهاد های جامعه مدنی نمیتوانند بدون رضایت و موافقت آنها به درستی فعالیت نمایند.
- (CLIP) باید جوانان و زنان را در برنامه های آگاهی دهی و دادخواهی شان دخیل سازند تا آنها عدم مطابقت بد دادن با اسلام، قوانین ملی و بین المللی را همراه با گروه های شان به مردم تشریح نمایند. این کار میتواند از طریق برنامه های اجتماعی چون برنامه های ورزشی و سایر برنامه های فوق العاده چون روز جهانی زن، روز جهانی صلح و غیره انجام گردد.
- (CLIP) باید روی فراهم ساختن راه های وسیع فعالیت مشترک میان زنان و جوانان ولسوالی ها و ولایات نزدیک تمرکز نماید تا ساحة دید شان در زمینه حقوق زنان و جوانان وسعت یابد.

معرفت مختصر با فرهنگ و سابقه بد دادن در افغانستان

جنگ های داخلی درازمدت در افغانستان زیربنا های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را تخریب نموده است، و حکومت دیموکراتیک که جدیداً در سال 2001 تاسیس گردیده است، این زیربنا ها را دوباره احیاء مینماید. یافته های این بررسی نشان میدهد که هنوز هم اکثریت مردم از بیکاری، عدم موجودیت امکانات رفاه عامه، ناامنی، عدم تامین نیازهای اولیه زنده گی و غیره رنج میبرند.



برای یک کشوری که با مشکلات نیازهای اولیه زنده گی مواجه است، توقع انکشاف نا ممکن نیست اما این توقع در این مرحله بیش از حد است. موجودیت مسایل مختلف اجتماعی در شرایط اجتماعی افغانستان، شدیداً به اصلاحات اقتصادی نیاز دارد به خصوص در زمینه عنعنات کهنه ای که مانع اصلاحات اجتماعی در کشور پنداشته میشوند. چون افغانستان یک جامعه پدر سالار است، تعداد زیادی از عنعنات موجود، زنان را مورد هدف قرار داده و آنها را متضرر میسازند. این فعالیت های مضر عنعنوی شامل ختنه زنان، تغذیه اجباری زنان، ازدواج های قبل از وقت و سایر روش های نامعقولی که زنان را از کنترل نمودن باروری شان باز میدارد، تحریم های غذایی و ولادت های سنتی؛ علاقمندی به داشتن پسر، و تاثیرات آن روی دختر نوزاد؛ از بین بردن نوزادان دختر، حاملگی قبل از وقت و قیمت جهیز میباشد.³ در جهان تعداد زیادی از کشورها وجود دارند که از این نوع عملکرد های مضر رنج می برند. افغانستان درین رابطه مستثنی نیست. اکثریت این عنعنات مضر در نظام مرد سالار افغانستان بطور عمیق ریشه دوانیده است. به علت جنگ طویل داخلی در کشور، تا جایی که به سنت های اقتصادی و اجتماعی مربوط میگردد و چنین عنعنات مضر که هنوز باقیست؛ افغانستان نتوانسته است خود را عصری سازد. سیستم ازدواج در افغانستان یکی از این عنعنات مضر میباشد که در آن زنان نوعی از دارایی پنداشته میشوند

³ فکت شیت شماره 23، عملکردهای مضر سنتی بالای صحت طفل و مادر اثرگذار است: <http://www.ohchr.org/Documents/Publications/FactSheet23en.pdf>

که در معاملات گوناگون اجتماعی در دست مردان قرار دارند. سیستم ازدواج در افغانستان اساساً بطور طبیعی تنظیم می‌گردد و کمتر مثال‌های از ازدواج بر مبنای عاشقی یا ازدواج‌های که بر مبنای موافقت هر دو جانب باشد، وجود دارد. بدنامترین نوع ازدواج عبارت از ازدواج اجباری می‌باشد. چنین تخمین گردیده است که 60 – 80% ازدواج‌ها در افغانستان به نحوی ازدواج‌های اجباری می‌باشند. ازدواج‌های تعیین شده از لحاظ فرهنگ قابل قبول هستند، به زنان به ندرت حق داده می‌شود تا عروسی‌های تعیین شده را رد کنند.⁴ این به چندین نوع به وقوع می‌پیوندد که یکی از آنها عبارت از ازدواج اجباری می‌باشد که این عبارت از ازدواجی می‌باشد که بدون رضایت هر دو جانب بر اساس فشار فیزیکی یا عاطفی صورت می‌گیرد.⁵

بعد از سقوط رژیم طالبان و تاسیس یک سیستم سیاسی دیموکراتیک در سال 2001، افغانستان در زمینه بهبود وضعیت زنان دستاوردهای چشمگیر داشته است. توافقات بن عملاً راه را برای تاسیس وزارت امور زنان (MoWA) و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان هموار ساخت. در سال 2003 افغانستان با کنوانسیون محو تمام انواع خشونت علیه زنان (CEDAW) ملحق گردید. در نتیجه کمپاین‌های که توسط زنان افغان به همکاری متحدین بین‌المللی آن صورت گرفت، قانون اساسی کشور که در سال 2004 تصویب گردید، به شمول حق یکسان بودن در مقابل قانون (ماده 22)، حق تعلیم، (ماده 43 و 44)، و حق کار (ماده 48) شماری از حقوق اساسی مهم زنان را تضمین می‌کند. همچنان حکومت پلان کاری ملی زنان (NAPWA) برای ده سال را تهیه نمود که در سال 2008 نافذ گردید و پلان‌های تحقق بخشیدن حقوق زن را برای رسیدن به دو هدف "توانمندسازی زنان" و "تساوی جندر" خلاصه مینماید.⁶ اما بعضی از بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که موارد زیادی از ازدواج‌های اجباری و بد دادن به اندازه‌های متفاوت در تمام جوامع مناطق روستایی و شهری افغانستان در بین تمام اقوام به وقوع می‌پیوندد. اما بعضی از مطالعات اخیر نشان می‌دهد که قضایای ازدواج‌های اجباری و بد دادن فراگیر است و به درجات مختلف در جوامع، مناطق روستایی و شهری و تمام اقوام در افغانستان بوقوع می‌پیوندد.⁷

این بررسی موارد بد دادن را به شیوه علمی و آکادمیک آن در بعضی از ساحات کشور به دو هدف بزرگ بازرسی می‌کند. هدف نخست عبارت از همکاری با موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) در زمینه راه اندازی موثر برنامه‌های دادخواهی و آگاهی دهی به منظور کاهش موارد بد دادن می‌باشد، چون موسسه (CLIP) پلان دارد که بزودی بعد از تکمیل گردیدن بررسی‌ها برنامه خویش را در ساحات مورد نظر اعلان آغاز مینماید. هدف دوم این بررسی تهیه نمودن نظریات مهم پالیسی برای جوانب اساسی ذیدخل درین بررسی می‌باشد تا پالیسی‌های شان را برای برنامه‌های انکشاف اجتماعی در افغانستان، به ویژه پالیسی‌های بهبود بخشیدن وضعیت زنان و محو خشونت علیه زنان در کشور، تهیه نمایند.

⁴ <http://www.larsonjewelers.com/culture-and-history-of-arranged-marriages.aspx>

⁵ توماس، شریل. عروسی‌های اجباری و قبل از وقت: تمرکز روی کشور هایاروپای مرکزی و غربی و اتحاد شوروی سابق با قوانین انتخاب شده از کشور های دیگر، ملل متحد، مینیسوتا، ایالات متحده p 2.

⁶ حفظ حقوق زن در افغانستان. اکسفام، 2011، p 7.

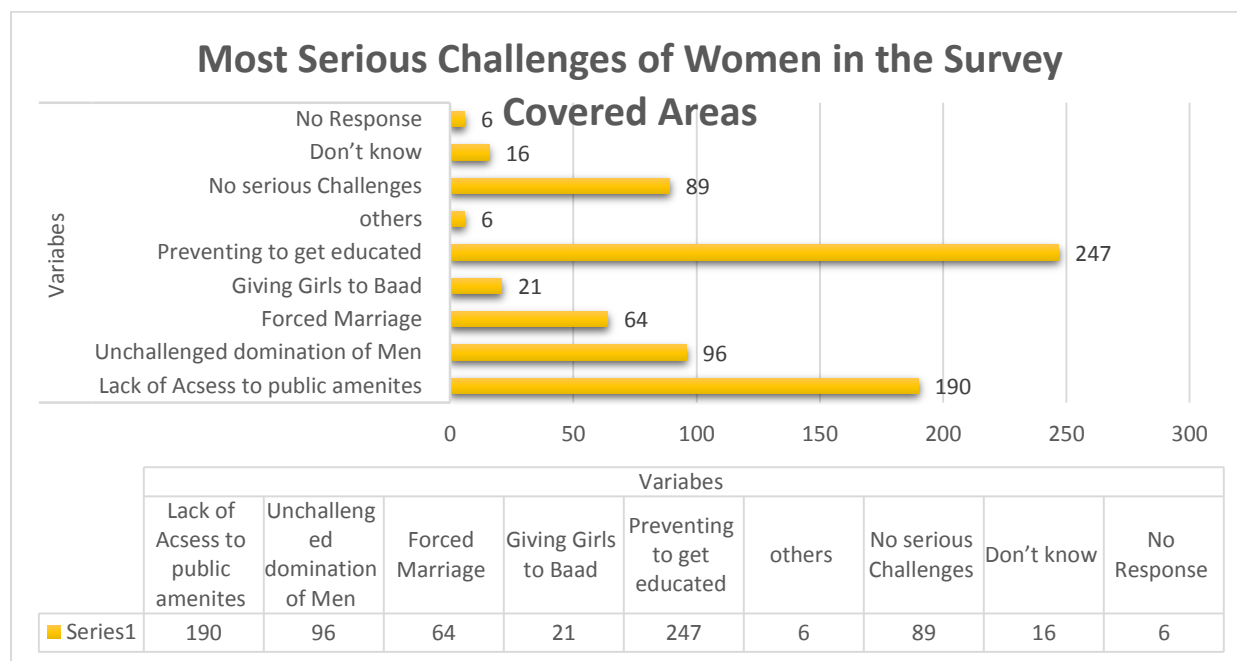
⁷ یوناما، OHCHR، عنعنات مضر و تطبیق قانون در زمینه محو خشونت علیه زنان در افغانستان، کابل، افغانستان، 9 دسمبر 2010، p i.

تحلیل و تجزیه یافته های بررسی

دامنه قضایای بد دادن و تلاشهای سازمانی بر علیه این عنقه

اکثریت مردم افغانستان از موضوعات حقوقی کمتر و یا هیچ آگاهی ندارند و از حقوقی که قانون اساسی کشور به آنها داده است، مستفید نمیشوند. تعداد زیادی از مردم به ویژه در مناطق دوردست بطور مناسب به عدالت دسترسی ندارند. آنها از پروسه کسب حقوق اساسی، مدنی و جنایی، یا سایر حقوق حقه بشری خویش که قوانین افغانستان به آنها میدهند، آگاهی ندارند. درین عرصه زنان بیشتر آسیب پذیر میباشند.

بر اساس یافته های این بررسی در ساحات مورد نظر عدم موجودیت فرصت های تعلیمی، مرد سالاری پایدار و عدم دسترسی به بعضی از خدمات رفاهی عامه جدیترین چالشی پنداشته میشود که زنان با آن مواجه میباشند. چارت ذیل چالش های را نشان میدهد که بطور کمی زنان با آن مواجه اند:



این مسایل زنان را وامیدارند تا در مقابل انواع مختلف عنعنات مضر سابقه مانند بد دادن، احساس آسیب پذیری نمایند. یکی از زیان های مسایل متذکره به ویژه برای زنان و بطور عموم برای همه افراد جامعه این است که آنها فرصت کم دارند تا در مورد بعضی از حقوق بشری که به سطح جهان پذیرفته شده اند، آگاهی حاصل نمایند.

حکومت جمهوری اسلامی افغانستان از بدو تاسیس (2001) بدینسو از اهمیت آگاهی های قانونی در سراسر کشور آگاهی دارد. به این سبب، یکی از کار های اساسی وزارت عدلیه فراهم ساختن آگاهی های عامه حقوقی برای شهروندان در سراسر کشور میباشد.⁸ طوریکه طی این بررسی معلوم گردید بر علاوه از برنامه های مشخصی که توسط وزارت عدلیه فراهم گردیده اند، 6 نهاد دیگر نیز در ده ولسوالی و مراکز ولایتی که توسط این بررسی تحت پوشش قرار گرفته بود،

⁸ استراتژی ملی آگاهی های حقوقی. وزارت عدلیه افغانستان، 2011، پ 5

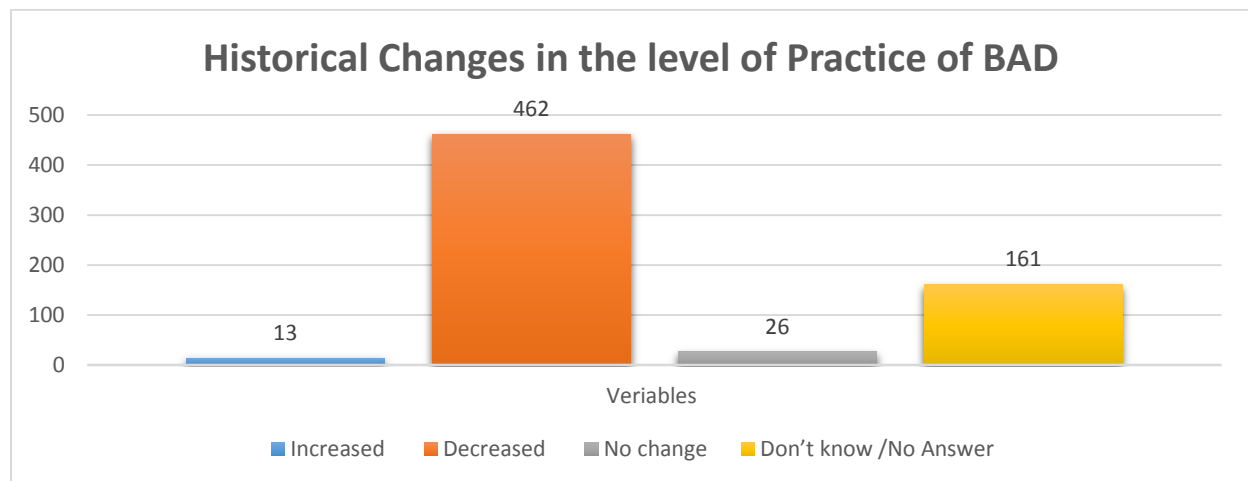
شناسایی گردید که در زمینه ارتقای آگاهی عامه در زمینه مسایل مختلف اجتماعی به شمول بد دادن برنامه های مختلف روی دست دارند.

برنامه های دیگر دادخواهی بر علیه بد دادن که در ولایت پنجشیر و چاریکار بر علاوه از ساحاتی که تحت پوشش سروی قرار گرفته بود، نیز وجود دارند، که توسط حکومت به پیش برده میشوند. وزارت عدلیه و وزارت امور زنان درین عرصه بیشتر فعال اند. سنتراتیژی های داد خواهی و آگاهی دهی آنها شامل برنامه های رادیویی و تلویزیونی و همچنان دایر نمودن جلسات با بزرگان قریه، ملامامان و مردم عام میباشد.

در بعضی حالات این برنامه های نه تنها در زمینه بلند بردن آگاهی ها بلکه در زمینه بازداشتن مردم از بد دادن نیز موفق بوده است. بطور مثال در ولایت پنجشیر وزارت امور زنان سه دختر را که قرار بود قربانی بد دادن شوند، نجات داد.⁹ در ریاست امور زنان یک شخص مسوولیت آگاهی عامه را به عهده دارد. وی بعضی اوقات به مکاتب ولسوالی رفته تا در زمینه جوانب منفی بد دادن صحبت نموده اطفال و جوانان را درین مورد آگاهی دهد.¹⁰

طوریکه این بررسی نشان میدهد، برنامه های آگاهی دهی در زمینه کاهش قابل ملاحظه موارد بد دادن در ساحات تحت پوشش سروی موثر بوده است. معلومات احصائیوی ذیل از ساحات سروی شده این گفته را تایید مینماید. گراف ذیل نظریات پاسخ دهنده گان را در رابطه با تغییراتی نشان میدهد که به مرور زمان در موارد بد دادن بوجود آمده است.

ارقام نشان میدهد که تقریباً 70% افرادی که تحت پوشش این بررسی قرار گرفتند، ابراز داشتند که موارد بد دادن در مناطق شان در سالهای اخیر کاهش یافته است. 0.01% یا از 662 تن 13 تن از پاسخ دهنده گان گفتند که موارد بد دادن افزایش پیدا کرده است.

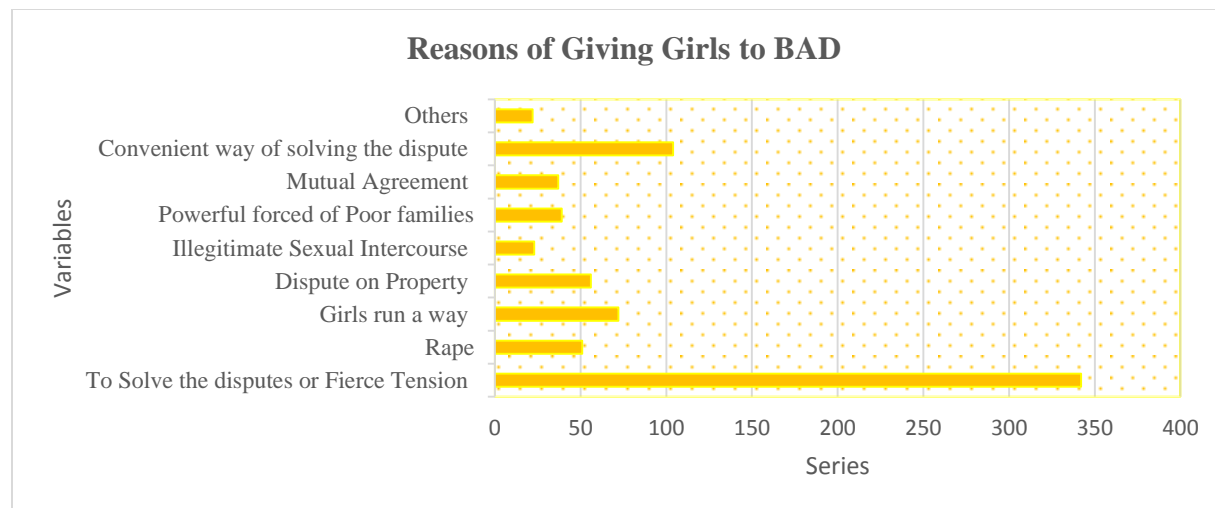


⁹ رئیس امور زنان ولایت پنجشیر (یک زن)

¹⁰ مصاحبه شخصی با مدیر بخش عدلیه، ولسوالی بگرام، 2014/6/5

عوامل اصلی بد دادن

زمانی که در مورد عوامل اساسی بد دادن پرسیده شد، 44% از پاسخ دهنده گان به این نظر بودند که این عمل زمانی به عنوان یک راه حل موثر صورت میگیرد که در بین دو خانواده منازعه تند و جدی وجود داشته باشد. 13% از آنها به این نظر بودند که این یک راه حل آسان برای منازعات باشد. تعداد باقیمانده جواب دهنده گان از فاکتور های چون تجاوز جنسی، مقاربت جنسی نامشروع، دعوی ها بالای دارایی ها و غیره را به عنوان علت اساسی بد دادن یاد آوری نمودند.



به اساس یافته های سروی و معلومات دهنده گان اساسی و اعضای شورا یک تعداد عوامل شاید باعث گردد تا قضایای بد دادن دختران در افغانستان ادامه یابد. بر اساس یافته های این سروی علت های اساسی بد دادن عبارتند از مسایلی چون از میان برداشتن دشمنی ها و منازعات مزمن در بین جوامع، ایجاد یک میکانیسم ساده حل منازعات، جلوگیری از خونریزی های بیشتر در بین هردو جانب منازعه، قضایای تجاوز جنسی، و سرانجام زمانی که یک دختر از منزل فرار میکند. ارزش کمتر اجتماعی که به دختران داده شده است، دشمنی های قبیله ای، و عدم آگاهی از قوانین مدنی و مذهبی نیز در زمینه های ادامه واقعات بد دادن در بین مردم کمک میکند. یک تن از معلومات دهنده گان کلیدی اظهار داشت: "دو علت عمده وجود دارد که دختران به بد داده میشوند. نخست حل موثر قضایای قتل - زمانی که یک عضو یک خانواده توسط یک عضو خانواده دیگر کشته میشود در آنصورت آنها غرض حل این مسئله به بد توسل میجویند. علت دوم آن سطح پائین سواد در بین مردم و نادیده گرفتن ارزش زنان در جامعه میباشد."¹¹

از یافته های این سروی نیز چنین نتیجه بدست آمد. بیش 50 درصد از مردم عام به این باور اند که راه حل ساده منازعات مزمن فکتوریست که باعث به بد دادن دختران در جامعه میشود. طوریکه این بررسی نشان میدهد، علاوه بر تلاش های مستقیم حکومت و جامعه مدنی برای انکشاف اجتماعی در افغانستان، تاثیر برنامه های انکشافی مختلف مانند بهبود وضعیت تعلیم و تربیه و رسانه های عامه در افغانستان در زمینه پائین آوردن سطح عنعنات مضر چون بد موثر بوده اند. به طور

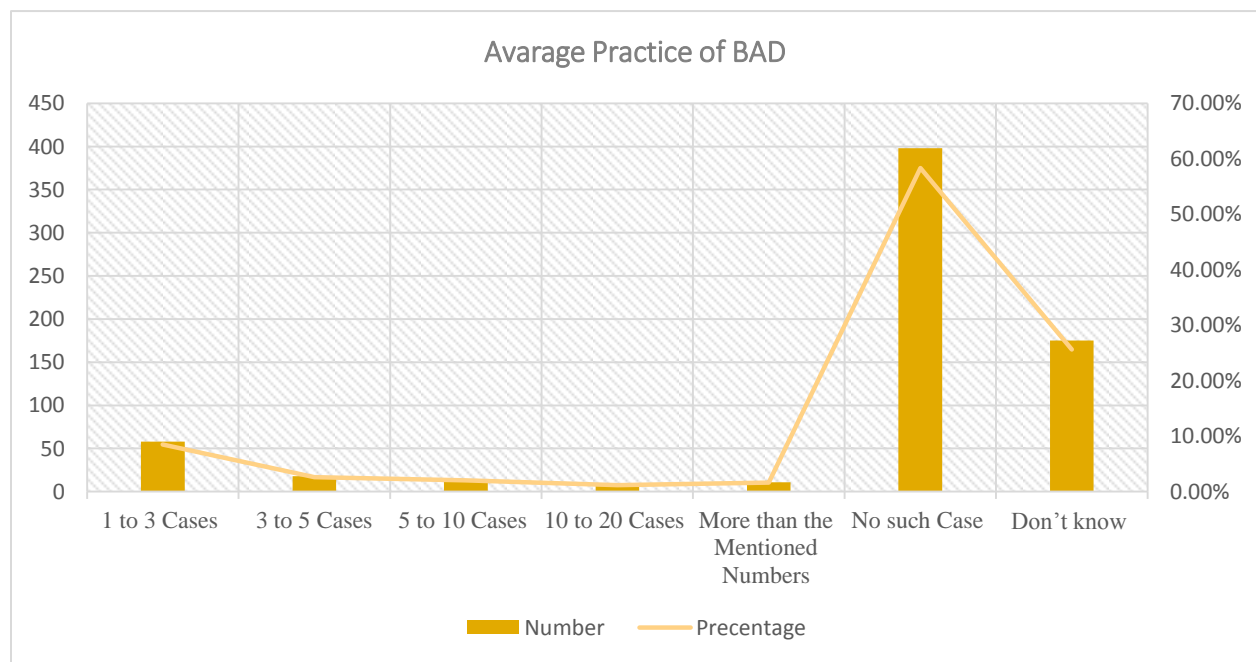
¹¹ مصاحبه شخصی با رئیس امور زنان ولایت پنجشیر، 2014/8/2

مثال درین بررسی بیش از 60% از مردم به این نظر بودند که تعداد قضایای به بد دادن دختران تا حد زیادی تقلیل یافته است، و تقریباً 70% به این باور بودند که علت چنین کاهش عبارت از دانش و سواد عامه، بخصوص دختران میباشد.

وسعت قضایای بد در ساحات مورد نظر

بدست آوردن یک تخمین دقیق در زمینه وسعتی که در آن دختران به بد داده میشوند، در افغانستان کار بسیار دشوار است، چون تعداد چنین موارد بطور رسمی توسط ادارات دولتی، موسساتی غیر دولتی یا نهاد های جامعه مدنی ثبت نگردیده است. به همین ترتیب جرگه ها و شورا های محلی تعداد منازعاتی را که حل و فصل نموده اند، ثبت نه مینمایند. اما بر اساس معلومات و تخمین های داده شده توسط مامورین محلی، نماینده گان جامعه مدنی در ساحات تحت پوشش سروی و نماینده گان جرگه های محلی و مفسرین اجتماعی تعداد موارد بد دادن در جامعه طی دو دهه در حدود 80% کاهش یافته است. طوریکه مدیر عدلیه ولسوالی سالنگ ولایت پروان اظهار داشت: "من از چندین سال بدنسو درینجا زنده گی مینمایم و هرگز شاهد کدام موردی از بد دادن نبوده ام"¹²

در ساحاتی که تحت پوشش این بررسی قرار گرفت حتی نظریات مردم عام در زمینه نماینده گان نهاد های جامعه مدنی، اعضای شوراها و جرگه ها و مفسرین اجتماعی بیشتر شباهت داشت. بیش از 60% پاسخ دهنده گانی که حتی در مورد یک قضیه بد دادن هم در ساحه شان اطلاع نداشتند. تقریباً 50% آنها گفتند که آنها شاهد 1 الی 3 واقعه بد دادن در منطقه شان بوده اند.

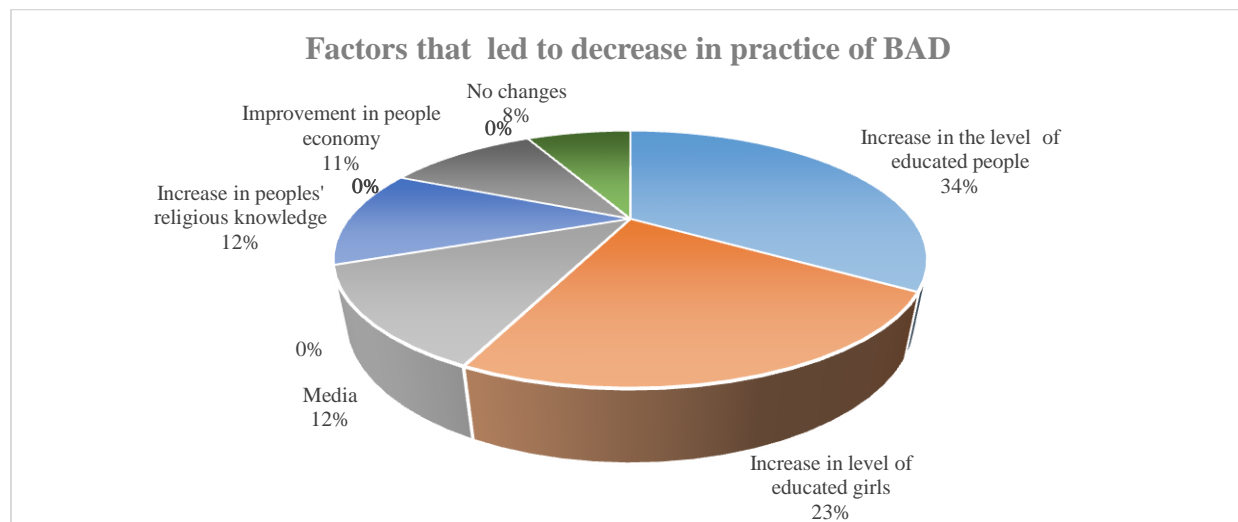


¹² مصاحبه شخصی با رئیس امور زنان ولایت پنجشیر، 2014/8/2

با توجه به معلومات فوق این بررسی نشان میدهد که گزارشات کاهش قابل ملاحظه در واقعات بد دادن از فکتور های ذیل ناشی گردیده است. نخست اینکه حساسیت و تصور منفی که در زمینه بد وجود دارد، هردو جانب منازعه را وادار میسازد که موضوع را از افشا شدن در بین مردم عامه پنهان نگهدارند. مدیر بخش عدلیه ولسوالی گلدره اظهار داشت که وی در مورد دو قضیه بد دادن در ولسوالی گلبند ولایت پروان مطلع گردیده بود، اما نه بطور مستقیم از جوانب دخیل در قضیه بلکه از طریق باشندگان دیگر آن محل از موضوع به وی اطلاع دادند. بعداً وی فکر کرد که وضعت شاید بدتر ازین باشد و قضایای بد دادن ممکن در آن محل بیشتر بوقوع بپیوندد، اما مردم به خصوص جوانب قضیه نمیخواهند درین زمینه به ادارات حکومتی یا سایر موسسات غیر دولتی که در مسایل اجتماعی و حقوق بشر دخیل اند، اطلاع دهند، چون آنها این را تنگ میدانند که اگر مردم دیگر درینمورد چیزی بدانند.¹³

باوجود این همه 30% از اعضای شورا ها و جرگه ها در ساحاتی که تحت پوشش این بررسی قرار گرفته بود به این باور بودند که بد دادن در گذشته معمول بود، اما در سالهای اخیر هیچ اطلاعی درین زمینه به شورا نرسیده است. در حقیقت 50% اظهار داشتند که از زمانی که آنها در زمینه مسایل اجتماعی در محل شان اطلاع حاصل نموده اند، هیچ موردی از بد دادن وجود نداشته است. از 50 شورای که مورد بررسی قرار گرفت فقط سه شورای آن از مثال های بد در ساحه شان از قضایای بد یاد آوری نمودند که طی دو دهه گذشته در محل شان بوقوع پیوسته بود. بطور مثال ملک قریه گلدره در ولایت کابل گفت: "در بیش از سه دهه که من درین قریه زنده گی مینمایم و از 12 سال بدینسو به عنوان ملک این قریه تعیین گردیده ام، ما هیچ موردی از بد نداشته ایم".¹⁴

به اساس نظریات پاسخ دهنده گان، تعداد مشخصی از فکتور ها وجود دارد که میتوانند به عنوان فکتور های اساسی کاهش موارد بد دادن از آن یاد آوری نمود. این فکتور ها در چارت ذیل طبقه بندی گردیده اند.



¹³ مصاحبه شخصی 2014/7/28

¹⁴ مصاحبه شخصی در گلدره 2014/7/26

عوامل موجودیت و ادامه بد دادن

مانند چندین بررسی دیگر در زمینه بد دادن، درین بررسی دریافت گردید که یکی از عوامل مهم بد دادن در ساحات مورد نظر ضعف حکومت های محلی در زمینه تحقیق جدی از افرادی میباشد که قوانین رسمی مدنی کشور را نقص میکنند. بر اساس اظهارات ریاست امور زنان ولایت پروان، ادارات دولتی نقص کننده گان قوانین و فامیل های را مورد پیگرد قرار نمیدهند که دختران شان را به بد میدهند. بنابراین ضعف ادارات دولتی علت اساسی موجودیت موارد بد دادن درین ولایت میباشد.¹⁵

موجود موارد عامه جرایم قتل عامل دیگریست که به موجودیت موارد بد دادن کمک میکند. بر اساس بررسی که صورت گرفت اکثریت از اشخاص با تجربه که با آنها مصاحبه انجام داده شد، به شمول رهبران شورا های محلی و جرگه ها و همچنان نماینده گان ادارات دولتی مربوط، قضیه های قتل باعث ایجاد منازعات جدی میگردد که تعداد زیادی ازین قضایا صرف از طریق به بد دادن دختر از طرف فامیل قاتل به فامیل مقتول حل میگردد.

مثال مهم دیگری که باعث میگردد تا مردم به بد دادن دختران شان توسل ورزند، مقاربت های جنسی نامشروع بین دختر و پسر میباشد که بر اساس یافته های این بررسی 30 درصد از موارد بد دادن دختران به همین علت بوقوع می پیوندد. زمانی که یک دختر و پسر به عمل نامشروع مقاربت جنسی مرتکب میشوند، فامیل پسر، خواه مجرد باشد، خواه متاهل، باید دختر خویش را به فامیل دختر بدهد. در غیر آن منازعه بین دو فامیل ادامه خواهد یافت و حتی باعث دشمنی و دست زدن به جرایمی چون قتل خواهد گردید.¹⁶

همچنان وقتی یک دختر عاشق یک پسر شود و یا به زور گرفته شود، بد دادن محتملترین راه حل این مسئله میباشد. اگر یک دختر با یک پسر از خانه فرار نماید، فامیل وی هرگز به این دختر اجازه نخواهد داد تا دوباره به خانه برگردد، و بلاخره پسر با دختر ازدواج خواهد نمود. اما قضیه با ازدواج این دختر به پایان نمیرسد. فامیل پسر باید جریمه را پردازد که بتواند رضایت فامیل دختر را فراهم نماید. بعضی از خانواده ها میتوانند مسئله را از طریق پرداخت پول حل نمایند، اما زمانی که خانواده دختر ثروتمند و قدرتمند باشد در آنصورت بیشتر محتمل است که مسئله باید از طریق بد دادن به خانواده دختر حل گردد.

متفاوت بودن قدرت های فامیل ها در بعضی ساحات عامل دیگریست که خانواده ها را به توسل جستن به بد دادن یا گرفتن میکشاند. بعضی از فامیل ها آسیب پذیر اند و خود را تحت فشار زیاد و استثمار فامیل های ثروتمند میدانند. حل منازعات بین خانواده های ثروتمند و فقیر بیشتر از طریق بد دادن محتمل است. این فکتور ها از ضعف ادارات دولتی نیز ناشی میشوند که نمیتوانند امنیت را تامین نموده و دسترسی کافی به عدالت را در کشور فراهم سازند.

از سال 2001 بدینسو بعضی از وزارت های حکومت افغانستان (وزارت عدلیه، وزارت امور زنان، و غیره...) برنامه های آگاهی دهی در زمینه قانون و حقوق بشر داشته اند؛ اما اشخاص مجرب اجتماعی و سایر مصاحبه دهنده گان کلیدی در

¹⁵ Ibid

¹⁶ مصاحبه شخصی با مدیر بخش حقوقی ولسوالی سالنگ ولایت پروان 2014/7/4

این بررسی به این نظر بودند که فکتور دیگری که به توسل جستن به بد دادن کمک میکند عبارت از عدم آگاهی عامه از حقوق اساسی میباشد. به خصوص زنانی که بیسواد و به حاشیه رانده شده اند و اجازه ندارند تا در برنامه های اجتماعی، تعلیمی و فرهنگی اشتراک نمایند، چنین فکر میکنند که قسمت آنها چنین است که آنها را به بد بدهند و یا مردان خانواده آنها حق دارند که در مورد زنده گی آنها تصمیم اتخاذ نمایند مثل اینکه آنها حیوان یا دارایی آنها باشد حتی آنها را به عنوان نوعی از پول رایج در جامعه مورد استفاده قرار میدهند.

بر اساس اظهارات اکثریتی از پاسخ دهنده گان بهبود بخشیدن وضعیت تعلیم و تربیه، بخصوص برای دختران، نقش عمده را در زمینه کاهش قضایای بد دادن ایفا مینمایند. چنانچه یافته های این سروی نشان میدهد یکی از عمده ترین چالش ها در مقابل دختران عبارت از موانع گوناگون اجتماعی، فرهنگی و سنتی در مقابل تعلیم و تربیه آنان میباشد.

نظریات مردم محل در زمینه علاقمندی به گرفتن بد به منظور حل یک منازعه

چندین علت وجود دارد که برای حل بدیل یک منازعه مردم به دادن یا گرفتن بد علاقمندی نشان میدهند. بعضی از بزرگان و موسفیدان قریه و اعضای شورا به این نظر اند که گرفتن یک دختر به عنوان جبران و حل یک منازعه جدی چون قتل و یا فرار دختران از منزل از نظر روانی مردم را قانع میسازد، چون آنها فکر میکنند که این مناسبترین شیوه انتقام است که آنها میتوانند از جانب مقابل بگیرند. پول یا سایر شیوه های مالی مجازات مانند گرفتن یک دختر از فامیلی که مرتکب جرم گردیده است، موثر نمیشاند.

سطح بلند بیسوادی و عدم آگاهی از قوانین اسلامی علت دیگریست که مردم نسبت به سایر شیوه های حل منازعات به بد دادن یا گرفتن ترجیح میدهند. تعداد زیادی از ملاهای که با آنها مصاحبه صورت گرفت چنین اظهار داشتند که اگر مردم میدانستند که بد مخالف ارزش های اساسی دینی است، آنها تا این حد ازین طریق برای حل منازعات شان استفاده نمیکردند. همچنان تعدادی زیادی از مصاحبه شونده گان به این نظر بودند که پرداخت بیش از حد پول برای حل یک منازعه که از توان مردم بلند است، نیز باعث میشود که فامیل های بی بضاعت منازعات شان را از طریق دادن دختر شان حل و فصل نمایند.

اعتبار بیشتر و صلاحیت غیر رسمی جرگه ها و شوراها نیز در بعضی ساحات باعث افزایش بد گردیده است. چون بعضی از شوراها برای حل منازعات دارای منابع کمتر میباشدند، آنها چون گزینه دیگری ندارند به بد متوسل میشوند. اعضای یک شورا در ولایت پنجشیر اظهار داشتند که: "ماموران غیر رسمی محل چون ملاها، ارباب ها و شوراها در زمینه تصمیم گیری از صلاحیت و قدرت زیاد برخوردارند، لهذا اگر راه دیگری برای حل منازعه نداشته باشند، شاید آنها به بد متوسل گردند، و بنابر قدرتی که دارند اکثر خانواده ها نمیتوانند در مقابل تصمیم شان اعتراض نمایند."¹⁷

¹⁷ مصاحبه شخصی با یک عضو شورا در بازارک پنجشیر، 3.8.2014

شورای محل و مسئله بد دادن

شورا ها و جرگه ها از گذشته های دور در افغانستان حیثیت نهاد های تطبیق کننده قوانین عنعنوی را دارا هستند. در رابطه با بد دادن باید گفت که این کار اکثراً از سوی شورا ها تسهیل میگردد. در نتیجه این بررسی دریافت گردید که چرا شورا ها دارای چنین قدرت اجتماعی میباشند و آنها در مورد بد چی نظر دارند.

شورا ها موثر اند و به عنوان نهاد های محلی به موجودیت شان ادامه میدهند چون آنها میتوانند مسایل محلی را بدون مصارف هنگفت مالی به زودترین فرصت حل و فصل نمایند. تقریباً 70% از اعضای شوراها که با آنها مصاحبه صورت گرفت اظهار داشتند که بنابر موجودیت فساد و رشوه ستانی در ادارات دولتی و همچنان ترس و عدم اعتماد مردم بالای دولت، ادارات عدلی دولتی از حل و فصل مشکلات مردم عاجز هستند. برا اساس اظهارات یک ملا در شهر چاریکار مرکز ولایت پروان، "مردم بالای شورا ها اعتماد دارند و بالای ادارات عدلی و قضایی دولت بی باورند. در بعضی موارد ریاست های دولت نیز قضایا را جهت حل و فصل به شورا ها راجع مینمایند، چون این ریاست ها نمیدانند که منازعات پیچیده را در جوامع روستایی چگونه حل و فصل نمایند.¹⁸ یک فکتوری که توسط عضو شورا تذکر داده شد عبارت از درک صداقت شورا ها و بیطرفی و توجه یکسان آنها نسبت به هر دو جانب قضیه میباشد.

یافته های این بررسی نشان میدهد که مسایل عمومی که به جرگه محلی راجع میگردد عبارتند از مسایل فامیلی چون طلاق، منازعه زمین و آب و مسایل قرض دادن و قرض گرفتن بین اعضای جامعه میباشد. کمتر از 10% قضایای که به شورا های محلی راجع میگردند، قضایای جدی چون قتل میباشند. همچنان یافته های این بررسی نشان میدهد که در بین شورا ها و جرگه های محلی یک نوع رابطه مستقیم وجود دارد. تقریباً 70% اعضای شورا ها که با آنها مصاحبه صورت گرفت اظهار داشتند در صورتی که آنها نتوانند هر دو جانب قضیه را نسبت به راه حلی که پیشنهاد مینمایند قانع سازند، قضیه را به ادارات عدلی و قضایی دولت راجع میسازند. تنها 30% آنها اظهار داشتند که تصمیم و فیصله شورا در رابطه به حل و فصل قضایا نهایی میباشد و نیازی وجود ندارد که آنها قضیه را جهت پیگیری بیشتر به ادارات دولتی راجع سازند. زمانی که تصمیم شورا جانبدارانه و بی جهت به نظر برسد، قضایای جدی از طریق یک نماینده محلی مردم و یا وکیل گذر به دولت راجع میگردد چون بعضی از قضایا به قدرت بیشتر اجرایی نیاز دارند.¹⁹

اصول شورا ها در رابطه با حل منازعات

این بررسی نشان میدهد که اکثریت شورا ها و جرگه ها مدعی هستند که تصامیم آنها بر اساس قوانین شریعت و ارزش های سنتی استوار است که نتایج قوی در زمینه آشتی اجتماعی دارد. تنها 10% از نماینده گان شورا ها اظهار داشتند که یکی از پایه های اساسی قضاوت آنها را قوانین رسمی مدنی افغانستان تشکیل میدهد.

¹⁸ مصاحبه شخصی در پنجشیر 3.8.2014

¹⁹ مصاحبه شخصی با شورای مذهبی و نماینده مردم محل (وکیل گذر)، چاریکار، پروان، 3.8.2014

منازعاتی که از طریق بد دادن حل و فصل میگرد

بر اساس اظهارات اکثر شورا ها و جرگه ها مسایل بزرگی که باید از طریق بد دادن حل گردند، عبارت از قضایای قتل، فرار دختران از منزل، مقاربت های جنسی نامشروع و به زور گرفتن دختران میباشد. اما اعضای شورا ها در رابطه به عملی نمودن این میکانیزم نظریات مختلف دارند. یک چهارم شوراها تحت پوشش این بررسی قرار گرفتند، بد دادن نه تنها حلال مشکلات نیست بلکه چنین منازعات را در بین نسل های بعدی مردم دوامدار هم میسازد. نماینده بازار ولسوالی میربچه کوت ولایت کابل اظهار داشت که وی از قضایای را دیده است که سال ها قبل اتفاق افتاده و بد دادن مشکلات مردم را بیشتر و دوامدار ساخته است.²⁰

عدم پایداری حل منازعه از طریق بد دادن

اگرچه بد دادن در مناطق زیادی یکی از موثرترین راه حل های منازعات پنداشته میشود، قضایای عملی این بررسی نشان میدهد که این عنعنه ممکن نیست که مشکل را از ریشه حل نماید. بعضی اوقات وقتی یک قضیه از طریق بد دادن حل گردیده، در عین زمینه قضیه و مشکل دیگر را ایجاد نموده است. بلاخره هیچ یک از جوانب خوش نخواهند بود که یک دختر از طریق جبر و فشار خانواده اش را ترک نموده و به خانواده دیگر رفته و مشکلات فامیلی زیادی را ایجاد نماید. در بعضی حالات حتی تا زمانی که دختر چشم از جهان ببوشد و یا یک جانب قضیه از محل خویش به محل دیگر مهاجرت نماید، احساس شرمنده گی برایش باقی می ماند. بطور عموم هر دو جانب منازعه در یک محل یا قریه به زنده گی شان ادامه میدهند، به این معنی که آنها در بسیاری از گردهمایی های اجتماعی و مذهبی بطور دوامدار باهم مقابل میشوند که باعث ادامه تنش ها و تحریک ها بین شان میشود. به اساس نظریات رئیس امور زنان ولایت پنجشیر بد دادن هرگز مشکل را از ریشه حل نه مینماید، بلکه برای مدت کوتاه قضیه را خاموش میسازد، و دشمنی حقیقی الی دو یا سه نسل آینده در بین فامیل هایشان ادامه پیدا میکند.²¹

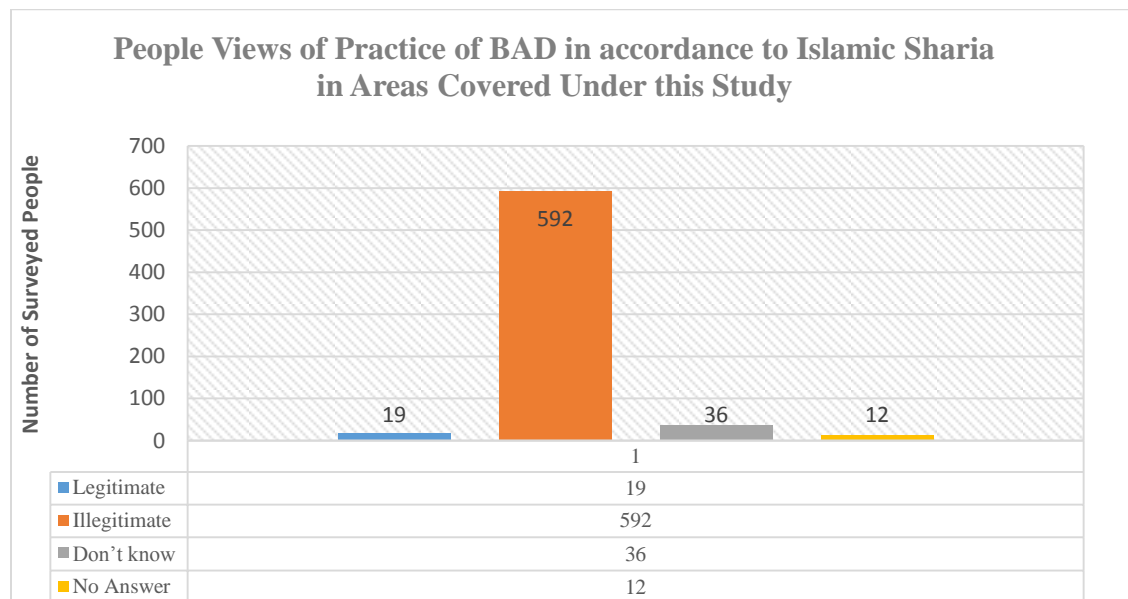
²⁰ مصاحبه شخصی در میربچه کوت ولایت کابل، 2014/7/22
²¹ مصاحبه فردی با رئیس امور زنان ولایت پنجشیر، 2014/8/3

بد دادن و شریعت اسلامی

طی این بررسی معلوم گردید از جمله تمام شورا های که با آنها مصاحبه صورت گرفت، 13 شورای آن بد دادن را کاملاً رد کردند. علت اساسی آن این بود که بد دادن عملیست خلاف ارزشهای اسلامی و شریعت. آنها این عمل را حرام میدانند که از نگاه شریعت منع گردیده است.

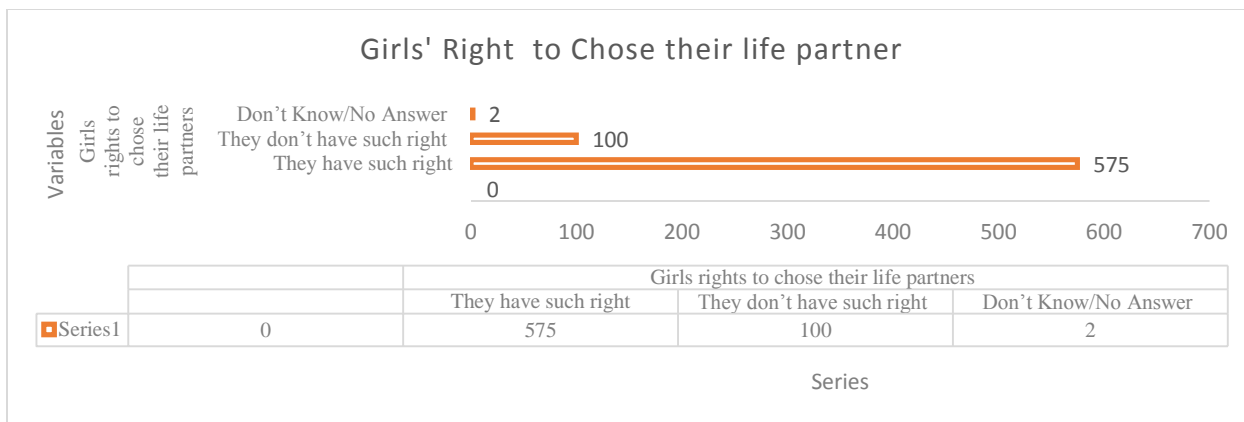
نظریه 10 شورای دیگری که با آنها مصاحبه صورت گرفت در مقابل بد دادن اندکی نرمتر بود، اما زمانی که این عمل را از نظر شریعت بررسی میکردند، آن را جایز نمیدانستند یعنی میگفتند که از نظر اسلام مجاز نیست. نظریات این کتگوری نشان میدهد باوجود نظریه منفی که در مقابل بد دادن دارند، هنوز هم درین مورد اندکی شک دارند و نمیخواهند که مانند کتگوری اول بد دادن را کاملاً رد نمایند.

باقی (27 مصاحبه شونده) با پاسخ های تاحدی مبهم بد دادن را رد کردند، مثلاً ملامام ولسوالی سالنگ ولایت پروان چنین گفت: "من فکر میکنم که این عمل از نظر قوانین اسلامی خوب نیست"²² اما در رد نمودن بد دادن از نظر شریعت اسلام تا حدی شک و تفاوت موجود است، تقریباً اکثریت مطلق مردمی که مصاحبه گردیدند به این امر موافق بودند که بد دادن یک عملیست که از نظر قوانین مدنی و قانون اساسی افغانستان ممنوع میباشد. اندازه موجودیت شک در رد نمودن بد دادن نزد بعضی افرادی وجود دارد، که بد دادن را در بعضی موارد مشخص راه حل منازعه میدانند. این نظریات توسط مصاحبه دهنده گان این بررسی تایید گردید. زمانی که در مورد بد دادن پرسیده میشد، کمتر از 1% از پاسخ دهنده گان بد دادن را از نظر شریعت اسلامی جایز میدانستند.



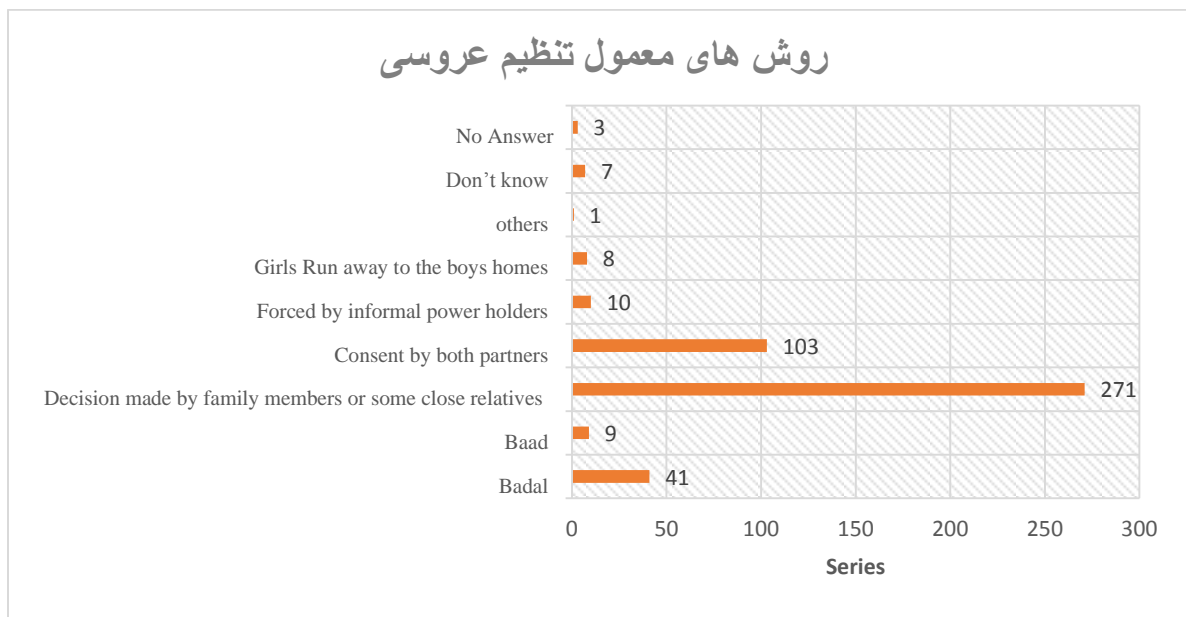
در عین زمان تقریباً 85% از مصاحبه شونده گان این بررسی به این مسئله موافق بودند که دختران حق دارند تا در زمان انتخاب همسر برای شان با آنها مشوره صورت گیرد.

²² مصاحبه فردی در ولسوالی سالنگ ولایت پروان 2014/7/20



اکثریت مردم بطور گسترده به این نظر بودند که به دختران حق میداد تا در زمان انتخاب همسر برای شان با آنها مشوره صورت گیرد، اما در آن منطقه در عمل چنین کاری صورت نمیگرفت. بر اساس جواباتی که مصاحبه شونده گان ارائه نمودند، بیشتر از 50% از عروسی ها مطابق به خواست اعضای فامیل و اقارب نزدیک صورت میگرفت، صرف 20% از عروسی ها بر اساس رضایت و خواست یک یا هر دو شریک زنده گی صورت میگرفت.

چارت ذیل معمولترین روش های تنظیم عروسی را در ساحاتی که بررسی گردید، نشان میدهد:



نتیجه گیری

در جامعه افغانی که اصول، ارزش ها و قوانین عنعنوی بر معاملات اجتماعی حکمفرما است، بسیار مشکل و وقت گیر است تا اصلاحات و انکشاف اجتماعی را بوجود آورد. بعضی ازین اصول و قوانین توسط اقشار حاکم جامعه حمایت میگردند و یا هم به آنها جنبه دینی داده شده است. اما یافته های این بررسی در زمینه وارد آوردن تغییرات مثبت در ماهیت بعضی از عنعنات مضر مانند بد دادن کمک میکند.

بررسی ما گرایش مثبت در رابطه به کاهش قضایای بد دادن را نشان میدهد. گرچه علت مشخص این مسئله هنوز روشن نیست، اما بهبود وضعیت زنان و بلند رفتن سطح سواد میتواند از جمله فکتور های اساسی آن باشد. از دولت فعلی و نظام سیاسی افغانستان انتقادات زیادی وجود دارد؛ اما افغانستان نیز طی دهه گذشته در سکتور های مختلف شاهد بهبودی و اصلاحات زیادی بوده است. امید می رود که اصلاحات در سکتور اجتماعی تاثیر خوب داشته باشد و باعث گردد که در سالهای آیند شمار قضایای بد دادن کاهش یابد. لهذا مهم است که تاسیسات دولتی در زمینه انکشاف اجتماعی، سواد، آسودگی و رفاه زنان و برنامه های آگاهی عامه سرمایه گذاری نمایند.

This page intentionally left Blank

تماس

موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP)

قلعه فتح الله، سرک چهارم (به سمت راست)، خانه شماره، کابل- افغانستان

شماره تماس: 009320221652 / info@clip.org.af / www.clip.org.af

استفاده از تمام نشریه ها به مقاصد بازرگانی بدون موافقت تحریری موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) مجاز نیست.

تحلیل های که درین گزارش فراهم گردیده است توسط تیم تحقیق صورت گرفته است و موقف رسمی موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح (CLIP) یا موسسه توانمندی را منعکس نمیسازد.